

جامعه‌شناسی

۱-گزینه «۳» - عبارت «دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود بلکه دانش‌های فراتجربی، مانند دانش‌های عقلانی و وحیانی را نیز شامل می‌شود... به دیدگاه سوم رابطه دانش عمومی و دانش علمی اشاره دارد نه دیدگاه دوم که دانش عمومی را پایه و اساس هر دانشی می‌داند. (نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۸) (دشوار)

۲-گزینه «۲» - آگاهی‌ها و دانش‌هایی وجود دارد (مثل راه رفتن، غذا خوردن و ...) که به سبب عادت، از نظر شما پنهان بوده است. این دانش را انسان‌ها در طول زندگی خود به‌دست می‌آورند، یعنی این دانش، حاصل از زندگی (دانش عمومی) است. هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی یک ذخیره دانشی دارد. این ذخیره دانشی، راهنمای زندگی آن‌هاست. کسی که دانش علمی دارد، به درک عمیقی از دانش عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد، آسیب‌ها و اشکالاتی را که به دانش عمومی راه پیدا کرده‌اند، شناسایی می‌کند.

در جوامعی که تعاریف متفاوت و گاه متضادی از علم رواج می‌یابد و در ذخیره دانشی آن‌ها، تعارض‌هایی پدید می‌آورد. در چنین شرایطی ارتباط دو سویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود و دانش عمومی به طور همه جانبه از دانش علمی حمایت نمی‌کند.

(نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۵، ۳ و ۷) (متوسط)

۳-گزینه «۲» - ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی، با دیگرانی که در همان جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم. اعضای جهان اجتماعی برای حل تعارض میان دانش عمومی و دانش علمی، گاهی با راه کردن بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخش دیگر و گاهی با طرح ایده‌های جدید حل می‌شوند.

ما درباره دانش عمومی کم‌تر می‌اندیشیم، بیش‌تر از آن استفاده می‌کنیم و در تعامل با یکدیگر آن را به کار می‌بریم. همه افرادی که از دانش عمومی برخوردارند، می‌توانند درباره مسائل نالمنی، بحران اخلاقی، بیکاری، قانون‌گریزی راهکارهایی پیشنهاد دهند اما افرادی که درباره این مسائل شناخت علمی دارند، از شناخت دقیق برخوردارند و می‌توانند برای آن‌ها راه‌حل‌های صحیح پیدا کنند. (نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۴، ۳ و ۶) (دشوار)

۴-گزینه «۴» - شناخت کنش انسان، با فهم هدف و معنای آن امکان‌پذیر است. زیرا کنش، هدف و معنای خاصی دارد.

- اقتصاد، حقوق، روان‌شناسی اجتماعی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، جغرافیای انسانی و... از جمله رشته‌هایی هستند که پدیده‌های اجتماعی را مطالعه می‌کنند.

- فلسفه (متافیزیک) به موجودی خاص، مانند موجودات طبیعی و انسانی و اجتماعی نمی‌پردازد بلکه قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند. بنابراین فلسفه نه جزء علوم طبیعی است نه جزء علوم انسانی و اجتماعی؛ بلکه خود دانشی مستقل است.

- در جامعه‌شناسی براساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی، رویکردهای مختلفی شکل گرفته است مثل جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه‌شناسی تغییر و جامعه‌شناسی انتقادی (نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس دوم - صفحه ۱۲، ۱۱ و ۱۶) (دشوار)

۵-گزینه «۲» - از منظر کتاب حاضر، علوم انسانی و علوم اجتماعی، موضوعات متفاوتی (نه یکسان) دارند و این نگاه وجود انسان را به ابعاد اجتماعی‌اش تقلیل نمی‌دهد و کنش‌های انسان را به کنش‌های اجتماعی او فرو نمی‌کاهد.

(نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس دوم - صفحه ۱۱) (دشوار)

۶-گزینه «۱» - علوم طبیعی با شناخت طبیعت و قوانین آن، به انسان، قدرت پیش‌بینی حوادث طبیعی و پیش‌گیری از آن‌ها را می‌دهند و به او در استفاده از طبیعت کمک می‌کند.

- به سبب آگاهانه و ارادی بودن کنش‌های اجتماعی، پیش‌بینی در علوم اجتماعی، پیچیده‌تر از علوم طبیعی است

- علوم اجتماعی به دانش‌هایی گفته می‌شود که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر کنش‌ها و شیوه زندگی ما و همچنین اثرپذیری آن‌ها از کنش‌ها و شیوه زندگی ما را به روش علمی مطالعه می‌کنند.

- زیرا فعالیت‌های غیرارادی، کنش نیستند و علومی هم که به این پدیده‌ها می‌پردازند، جزء علوم انسانی نیستند. (نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس دوم - صفحه ۱۰، ۱۱ و ۱۲) (متوسط)

۷-گزینه «۳» - جامعه‌شناسی کلان، ساختار اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی کلان را بررسی و مطالعه می‌کند. شناخت طبیعت و پیش‌بینی حوادث طبیعی برای پیش‌گیری و تسلط بر طبیعت و رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعت از فواید علوم طبیعی است نه علوم انسانی و اجتماعی. (نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس دوم - صفحه ۱۵ و ۱۶) (متوسط)

۸-گزینه «۴» - زندگی اجتماعی انسان به دلیل این‌که ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... دارد، شاخه‌ها و دانش‌های اجتماعی متفاوتی را پدید آورده است.

- علوم انسانی و علوم اجتماعی، موضوعات متفاوتی دارند. این نگاه، وجود انسان را به ابعاد اجتماعی‌اش تقلیل نمی‌دهد و کنش‌های انسان را به کنش‌های اجتماعی او فرو نمی‌کاهد.

- علوم اجتماعی با دآوری درباره پدیده‌های اجتماعی و انتقاد از آن‌ها، فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورند.

(نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس دوم - صفحه ۱۱ و ۱۲ و ۱۶) (دشوار)

۹-گزینه «۲» - ۳ عبارت دوم، سوم و چهارم درست می‌باشد. اما عبارت اول نادرست است. زیرا: علوم طبیعی را به دلیل اینکه ابزار تسلط انسان بر طبیعت و ابزار رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی‌اند، «علوم ابزاری» نیز می‌نامند نه فیزیک اجتماعی.

(نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس دوم - صفحه ۱۳ و ۱۵ و ۱۶) (متوسط)

۱۰-گزینه «۱» - منظور از جهان اجتماعی متجدد، غرب بعد از دوران رنسانس یعنی جهان غرب چهارصد سال اخیر است و جهان متجدد فقط علومی را که با روش‌های تجربی به‌دست می‌آیند، علم می‌داند و علومی را که از روش‌های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد.

(نبی‌زاده) (پایه دهم - درس ششم - صفحه ۴۶ و ۴۹) (متوسط)

۱۱-گزینه «۳» - در یک جهان اجتماعی، پدیده‌ای در زمانی آرمان محسوب می‌شود و در زمان دیگر لباس واقعیت می‌پوشد. مثلاً استقلال سیاسی در ایران پیش از انقلاب اسلامی یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد، همچنین امنیت برای یک کشور آشوب‌زده، پدیده آرمانی و برای جامعه بسامان، واقعی است.

(نبی‌زاده) (پایه دهم - درس هفتم - صفحه ۵۵) (دشوار)

۱۲-گزینه «۲» - ویژگی‌های هویتی دختر یا پسر بودن «فردی» ثابت و انتسابی / کارشناس بودن، متغیر، اکتسابی و اجتماعی / متولد آبان بودن، انتسابی، فردی و ثابت / و معلم بودن، متغیر اکتسابی و اجتماعی می‌باشند.

(نبی‌زاده) (پایه دهم - درس هشتم - صفحه ۶۳ و ۶۴) (دشوار)

۱۳-گزینه «۴» - فرد با آموزش‌های اساسی و ماندگاری که در خانواده می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جهانی که در آن متولد شده است، پیدا می‌کند.

- عبارت «یک انسان با تقوا، جهانی را تغییر می‌دهد و مسیر تاریخ را عوض می‌کند» بیانگر تأثیر جهان نفسانی (بعد نفسانی) بر جهان اجتماعی (بعد اجتماعی) است.

- آنچه در پاسخ به پرسش «کیستی» گفته می‌شود و شخص با آن از اشیاء و افراد دیگر متمایز می‌گردد، هویت فرد را تشکیل می‌دهد.

- به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، جامعه‌پذیری می‌گویند.

(نبی‌زاده) (پایه دهم - درس هشتم و نهم - صفحه ۶۳، ۶۸ و ۷۶) (دشوار)

۱۴-گزینه «۱» - جهان اجتماعی برای بقا و تداوم، اعتقادات، ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جهان اجتماعی، شیوه زندگی در آن را می‌آموزد و به تدریج با موقعیتش در جهان اجتماعی و حقوق و تکالیفی که بر عهده دارد، آشنا می‌شود. به کنش‌هایی که برخلاف ارزش‌ها، عقاید و هنجارهای جامعه هستند، کزروی اجتماعی می‌گویند. (نبی‌زاده) (پایه دهم - درس نهم - صفحه ۷۶ و ۷۸) (متوسط)

۱۵-گزینه «۲» - در جوامع سکولار و دنیوی، امکان رأی دادن به قوانین الهی وجود ندارد. برای نمونه اکثریت مردم الجزایر در سال ۱۹۹۱ میلادی، به حاکمیت اسلامی رأی دادند، اما کودتای نظامی، مانع اجرای نتایج انتخابات شد. تعارض فرهنگی، گاهی ناشی از علل درونی است و گاه ناشی از علل بیرونی است و پیامد تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر است.

(نبی‌زاده) (پایه دهم - درس دهم - صفحه ۸۶ و ۸۷) (آسان)